



Evaluating the Legitimacy of Legal Intervention in the Right to Adult Literacy from the Perspective of Islamic Law and International Human Rights Instruments

Mahdiyeh Ghanizadeh ¹

1, Assistant Professor, Department of Islamic Jurisprudence and the Fundamentals of Islamic Law, University of Qom, Qom, Iran, Email: m.ghanizadeh@qom.ac.ir

Abstract

Received:
2024/10/23
Revised:
2025/04/09
Accepted:
2025/06/11
**Published
online:**
2025/12/22

Adult literacy, as a manifestation of the right to education, is considered one of the fundamental human rights. Given that compulsory enforcement is generally not associated with the right to education except in specific cases such as primary education the issue raised in the context of the illiteracy crisis is whether a duty-based approach to the right to literacy and the legitimacy of legal intervention in this domain can be justified. Despite the necessity of examining this matter, no independent study has addressed it so far. Therefore, this article, using a descriptive-analytical method, seeks to explain the legitimacy of legal intervention in the right to adult literacy based on Islamic law and international human rights instruments. The findings of this research indicate the following: First: In Islamic law, the legitimacy of legal intervention relies on principles such as *lā ḍarar* (no harm), the precedence of public interest, *nafy al-sabīl* (no domination), and the obligation to preserve the social order. Second: Although an incentive-based approach is preferable in addressing illiteracy, assuming that the government has provided a suitable environment, a duty-oriented view of literacy and the adoption of a punitive approach can be religiously justified. Third: In international human rights instruments, the text of Article 13 of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, and the implications of provisions such as Article 29 of the Universal Declaration of Human Rights, Article 4 of the same Covenant, and Article 15 thereof indicate the permissibility of legal intervention in the matter of literacy.

Keywords: Islamic law; human rights; international instruments; right to literacy; legal intervention.

How To Cite: Ghanizadeh, M (2025). Evaluating the Legitimacy of Legal Intervention in the Right to Adult Literacy from the Perspective of Islamic Law and International Human Rights Instruments, *Comparative studies on Islamic and Western Law*, 12(4), 144-169. <http://www.doi.org/10.22091/csiw.2025.11500.2598>

Published by: University of Qom

©The Author(s)

Article type: Research



ارزیابی جواز مداخله قانونی در حق سوادآموزی بزرگسالان از منظر حقوق اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر

مهديه غنی زاده^۱

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: m.ghanizadeh@qom.ac.ir

چکیده

سوادآموزی بزرگسالان به‌عنوان مصداقی از حق آموزش، یکی از حقوق بنیادین بشر به‌شمار می‌رود. نظر به آنکه در رابطه با حق آموزش جز در موارد خاص مانند تحصیلات ابتدایی، اجبار لحاظ نگردیده است، مسئله‌ای که با لحاظ بحران بی‌سوادی، قابل طرح است. نگاه تکلیف‌مدارانه به حق سوادآموزی و جواز مداخله قانونی نسبت به آن است. علی‌رغم ضرورت بررسی این امر تاکنون پژوهشی مستقل در رابطه با آن، صورت نپذیرفته؛ لذا مقاله حاضر به شیوه توصیفی تحلیلی درصدد تبیین جواز مداخله قانونی در حق سوادآموزی بزرگسالان بر مبنای قانون اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نخست، در قانون اسلام، جواز مداخله قانونی متکی بر قواعدی چون لاضرر، تقدم مصالح عامه، نفی سبیل و وجوب حفظ نظام است. دوم، علی‌رغم اولویت رویکرد تشویقی در مواجهه با معضل بی‌سوادی، بر فرض مهیا بودن بستر مناسب از سوی حاکمیت، نگاه تکلیف‌مدارانه به امر سوادآموزی و اتخاذ رویکرد تنبیهی نسبت به آن شرعاً موجه خواهد بود. سوم، در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، نص ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ظاهر موادی چون ماده ۲۹ اعلامیه حقوق بشر، ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ماده ۱۵ میثاق مزبور دلالت بر جواز مداخله قانونی در امر سوادآموزی دارد.

کلیدواژگان: قانون اسلام، حقوق بشر، اسناد بین‌المللی، حق سوادآموزی، مداخله قانونی.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۸/۰۲

تاریخ اصلاح:

۱۴۰۴/۰۱/۳۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۳/۲۱

تاریخ انتشار

برخط:

۱۴۰۴/۱۰/۰۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

استناد: غنی‌زاده، مهديه (۱۴۰۴). ارزیابی جواز مداخله قانونی در حق سوادآموزی بزرگسالان از منظر حقوق اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر، پژوهش تطبیقی

حقوق اسلام و غرب، ۱۲(۴)، ۱۶۹-۱۴۴. <http://www.doi.org/10.22091/csiw.2025.11500.2598>



نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم

مقدمه

امروزه در عصر اطلاعات که جهان در حال طرح مفهوم جدیدی از سواد است، بی‌سوادی مطلق، معضلی بزرگ و عاملی مهم برای عقب‌ماندگی جوامع به شمار می‌رود (پاول، ۱۳۷۴: ۴۹). علاوه بر آن توسعه سواد پایه (مهارت خواندن، نوشتن، حساب کردن) اگرچه شرط کافی برای توسعه جوامع به شمار نمی‌آید، اما قطعاً شرط لازم آن محسوب می‌گردد (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۸).

در جهان معاصر علی‌رغم تلاش‌های صورت پذیرفته در زمینه سوادآموزی، ۷۷۳ میلیون بی‌سواد وجود دارد (<https://uis.unesco.org/en/topic/literacy>) و این امر به نوبه خود، تلاش مضاعف در راستای ریشه‌کن نمودن بی‌سوادی و توسعه سواد در سطح جهان را اقتضا می‌نماید. در این بین، یکی از سیاست‌هایی که ممکن است به منظور حل معضل بی‌سوادی از سوی دولت‌ها اتخاذ گردد، توجه به بعد تکلیفی سوادآموزی و به عبارتی مداخله قانونی در امر سوادآموزی بزرگسالان است. لذا بررسی این امر که آیا اساساً می‌توان به امر سوادآموزی از جنبه تکلیفی نگریست و به تبع این امر، مداخله قانونی در حق سوادآموزی را مجاز شمرد، از ضرورت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به تفحص نویسنده در پیشینه تحقیق، پژوهشی که به نحو مستقل جواز یا عدم جواز مداخله قانونی در امر سوادآموزی بزرگسالان را مورد بررسی قرار داده باشد، یافت نشد. با این وجود، در خصوص حق آموزش به نحو مطلق، تحقیقاتی به چشم می‌خورد. به‌عنوان مثال، رحمت‌اللهی و دانش نادری در پژوهشی تحت عنوان «حق و آزادی آموزش و پرورش»، به مسئله تحقق آزادی آموزش در خلال آزادی در انتخاب مؤسسه آموزشی، محتوای آموزشی و تأسیس مؤسسات آموزشی پرداخته و جایگاه این مسئله در اسناد بین‌المللی اشاره نموده است (رحمت‌اللهی و دانش نادری، ۱۳۹۳). نیاورانی در پژوهشی تحت عنوان «منزلت حق بر آموزش در نظام بین‌المللی حقوق بشر»، از جایگاه والای حق آموزش به‌عنوان سازنده زیربنای فکری انسان و مجرای تحقق سایر حقوق بشری سخن گفته است (نیاورانی، ۱۳۸۹).

در نتیجه با توجه به خلأ پژوهشی در مسئله ارزیابی جواز مداخله قانونی در حق سوادآموزی بزرگسالان و ضرورت بررسی این مسئله، پژوهش حاضر از دو منظر، جواز یا عدم جواز چنین مداخله‌ای را به معرض تحلیل می‌نهد؛ اول از منظر قانون اسلام و سپس از منظر اسناد بین‌المللی حقوق بشر. در بخش نخست با توجه به

سنجه شرعی بحث اولاً در پی بررسی اصل جواز و مشروعیت مداخله قانونی از منظر قانون اسلام و ثانیاً بر فرض جواز و مشروعیت مداخله در پی تعیین محدوده مجاز و مشروع مداخله است. در بخش دوم، مسئله مزبور بر مبنای اسناد بین‌المللی حقوق بشر صورت خواهد پذیرفت.

۱. ارزیابی جواز مداخله قانونی در حق سوادآموزی بزرگسالان از منظر قانون اسلام

در این بخش، نظر به خاستگاه شرعی بحث آنچه حائز اهمیت است، اولاً بررسی اصل مشروعیت مداخله قانونی و قانون‌گذاری در امر سوادآموزی و ثانیاً بررسی میزان مداخله مشروع در این مسئله است. لذا در این بخش درصدد پاسخگویی به این سؤالات هستیم:

۱. مشروعیت مداخله قانونی در امر سوادآموزی بزرگسالان بر چه مبنای فقهی استوار است؟

۲. از منظر فقه، محدوده مجاز دخالت قانون در مسئله آموزش بزرگسالان به چه میزان است؟

۱-۱. بررسی اصل مشروعیت مداخله قانونی

نگاه تکلیف‌مدارانه به سوادآموزی از منظر قانون اسلام، قبل از هر چیز مستلزم اثبات مشروعیت اصل مداخله حکومت در این امر است. به منظور بررسی این مسئله لازم است از سویی موانعی که ممکن است مداخله قانونی را غیرمجاز سازد، تبیین گردد و از سوی دیگر، ضرورت‌هایی که ممکن است این مداخله را ایجاب نماید، مورد بحث واقع گردند. لذا در ادامه در دو بخش موانع مداخله و ضرورت‌های مداخله به تبیین این امر می‌پردازیم.

۱-۱-۱. موانع مشروعیت مداخله قانونی

از منظر قانون اسلام، بزرگ‌ترین مانع بر سر راه مداخله قانونی در امر سوادآموزی بزرگسالان ممکن است اصل آزادی فردی باشد. از آن حیث که در قانون اسلام، حریت و آزادی، یکی از جلوه‌های مهم کرامت انسانی است که مطابق آن فرد، حق انتخاب آزادانه در شئون مختلف زندگی را دارد. خداوند متعال در آیات مختلف قرآن کریم این حق بشری را تکریم نموده است. اهمیت حق آزادی در حقوق بشر اسلام تا بدان جاست که خداوند متعال حتی سعادت بشر را به نحو اجباری نخواست است. به‌عنوان مثال در آیه ۳ سوره

انسان با تأکید به حق شخص بر انتخاب آزادانه سرنوشت خویش، چنین فرموده است: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا». ما به حقیقت راه (حق و باطل) را به او نمودیم، حال خواهد (هدایت پذیرد و) شکر (این نعمت) گوید و خواهد (آن نعمت را) کفران کند. لذا مطابق قاعده اولیه فرد در انجام فعل یا ترک آن، آزاد بوده، هیچ کس مجاز به تعدی به حق آزادی دیگری نیست و تحدید آزادی و اختیار غیر، نیازمند دلیل است. یکی از اموری که بر مبنای این اصل نفی می‌شود، ولایت غیر و دخالت در امور شخص توسط دیگری است. بدین معنا که لازمه آزادی فرد در تعیین سرنوشت خویش، نفی ولایت غیر نسبت به اوست. از این امر گاه به اصل عدم ولایت یا اصل عدم صلاحیت نیز تعبیر می‌گردد. مطابق اصل عدم ولایت چنانچه در موردی، دلیلی بر اثبات ولایت وجود نداشته باشد و ثبوت ولایت، مشکوک باشد، اصل عدم ولایت جاری می‌گردد (عاملی، ۱۴۱۹: ج ۱۷، ۵۴۳). از آن جهت که ولایت، امری جعلی و اعتباری مسبوق به عدم است؛ لذا در موارد مشکوک، اصل بر عدم ولایت است مگر آنکه دلیلی بر ثبوت آن باشد (تبریزی، ۱۴۱۶: ج ۳، ۱۹). همچنین مطابق اصل عدم صلاحیت، هنگامی که در محدوده اختیارات و صلاحیت‌های یک نهاد حاکمیتی، تردید حاصل آید، اصل بر عدم صلاحیت است؛ لذا صلاحیت او برای دخالت در آن مورد مشکوک، نفی می‌گردد.

با این تفاسیر، اصل بر آزادی فرد در آموزش است و ولایت و صلاحیت حاکمیت نسبت به مداخله در امر سوادآموزی شهروندان و تحدید آن نیازمند دلیل متقن است، وگرنه اصل بر عدم چنین ولایت و صلاحیتی است. در پاسخ به این ادعا باید گفت، اولاً حق آزادی فردی در فرضی محترم است که موجبات اضرار غیر را فراهم نیاورد؛ چراکه اساساً دامنه آزادی نامحدود نبوده، بلکه باید تابع اصول و ضوابطی باشد و یکی از این ضوابط، عدم اضرار به غیر است. این در حالی است که چنانچه ذکر خواهد گردید، بی‌سوادی عامل آسیب‌های اجتماعی متعددی است که علاوه بر فرد بی‌سواد، متوجه سایر افراد جامعه نیز می‌گردد؛ ثانیاً چنانچه در اجتماع برای هر فرد به نحو مطلق، قائل به حق آزادی گردیم، این امر موجب هرج‌ومرج گردیده و چه بسا هر یک از این افراد با اتکا به حق آزادی خویش به حقوق و آزادی‌های دیگران تعدی نمایند؛ لذا در زندگی اجتماعی، آزادی افراد، مطلق نبوده، بلکه در چارچوب خاص خود محترم است. ثالثاً نظر به آثار و

منافع اجتماعی حاصل از سوادآموزی که در بخش ضرورت‌ها به تفصیل از آن سخن خواهد رفت، سوادآموزی حق اجتماعی نیز به شمار می‌رود و در مقام تراحم یا تعارض حقوق اجتماعی با حق فردی، از باب تقدم اهم بر مهم، حقوق اجتماعی و عمومی بر حقوق فردی، مقدم می‌گردد؛ رابعاً اصل مسئله ولایت حاکم، حکم بدیهی عقل است؛ چراکه بدون حکومت، نظم عمومی و عدالت اجتماعی به‌عنوان آرمان‌های بشری، محقق نخواهد گردید (محقق داماد، ۱۴۰۶: ج ۳، ۲۰۷). اما آنچه مورد تردید است، محدوده ولایت حاکم است، حال اگر در موردی تردید حاصل آمد و دلیل بر اثبات آن نبود، اصل عدم ولایت است. این در حالی است که در بخش ضرورت‌های مداخله قانونی در امر سوادآموزی، به تفصیل از دلایل لزوم چنین مداخله‌ای بر مبنای داده‌های شرعی سخن خواهد رفت؛ لذا نمی‌توان در این مورد، اصل را بر عدم ولایت حاکم نهاد.

۱-۲. ضرورت‌های شرعی مداخله قانونی

در توجیه ضرورت‌های مداخله قانونی و لزوم قانون‌گذاری در مسئله سوادآموزی چنانچه بر مبنای قانون اسلام صورت پذیرد، از سویی با حدیث «طلب العلم فریضة» و از سوی دیگر با قواعد مهمی چون لاضرر، تقدم مصالح عامه، نفی سبیل و وجوب حفظ نظام روبه‌رو می‌گردیم. در ذیل به بررسی هر یک از این موارد و نحوه دلالت آن بر این مدعا می‌پردازیم.

۱-۲-۱-۱. حدیث «طلب العلم فریضة»

یکی از مستندات آنکه می‌توان از آن ضرورت مداخله قانونی در امر سوادآموزی را استنباط نمود، روایتی است که در آن چنین بیان شده: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۰). مطابق نص روایت، طلب علم بر هر مسلمانی فریضة و امری واجب است. حال با توجه به آنکه امروزه تسلط بر سواد پایه، پیش‌نیاز و مقدمه بدیهی برای کسب علم و معرفت است، می‌توان گفت بر مبنای روایت، سوادآموزی به‌عنوان مقدمه علم‌آموزی از باب وجوب مقدمه واجب، واجب است. از سوی دیگر با توجه به آنکه فراهم آوردن امکان ادای واجبات در جامعه از وظایف حکومت است، فراهم آوردن امکان علم‌آموزی و مقدمات آن نیز از وظایف اوست. در نتیجه می‌توان گفت مداخله قانونی در امر سوادآموزی شهروندان

به‌عنوان مقدمه‌ای برای توسعه علم‌آموزی نه‌تنها از سوی دولت مجاز به شمار می‌رود، بلکه فراتر از آن از باب وجوب مقدمه واجب، تکلیفی است واجب بر عهده او.

در پاسخ به این مدعا باید گفت، مراد از علم واجب، علوم دینی است نه مطلق علوم (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۱، ۱۲۵؛ خمینی، بی تا (الف): ج ۳، ۵۹۰). از آن جهت که عبارت «فریضة علی کل مسلم» به معنایی وجوب عینی است، حال آنکه وجوب عینی به علمی تعلق می‌گیرد که انجام آنچه واجب عینی است، متوقف بر تحصیل آن باشد (شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۳۷۹). لذا مطلق علوم علی‌الخصوص علوم دنیوی از دایره شمول روایت، خارج است و از سوی دیگر، کسب علوم دینی و واجبات عینی بر فرض عدم سواد نیز ممکن است؛ در نتیجه روایت فوق بر مدعای مزبور دلالتی نخواهد داشت.

۱-۲-۲. قاعده لاضرر

یکی از قواعد عام و مهم که مبنای بسیاری از قوانین اسلامی است، قاعده لاضرر است. مطابق قاعده مزبور هر نوع ضرر در دایره تشریح نفی گردیده است. خواه از ناحیه وجود حکم باشد یا از ناحیه عدم آن. این امر به واسطه بنای عقلا به‌عنوان مستند اصلی قاعده لاضرر نیز تأیید می‌گردد؛ چراکه عقلا، نفی ضرر را شامل هر دو مورد مزبور می‌دانند (محقق داماد، ۱۴۰۶: ج ۱، ۱۶۱-۱۶۰). با این تفاسیر، از سویی، نظر به آسیب‌ها و مفاسد ناشی از بی‌سوادی خواه در سطح ملی همچون افزایش آسیب‌های اجتماعی و بالا رفتن نرخ ارتکاب جرم در جامعه (World Literacy Foundation, 2015) و خواه در سطح بین‌المللی چون عقب‌ماندگی جامعه و شانس کمتر برای رقابت با سایر جوامع (پاول، ۱۳۷۴: ۴۹)، ضرری بودن بی‌سوادی در جامعه، امری مسلم و غیرقابل انکار به شمار می‌رود. از سوی دیگر، یکی از علل شیوع پدیده بی‌سوادی در جامعه، عدم قوانین جامع در امر سوادآموزی به شمار می‌رود (حکیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴). لذا در موردی که خلأ قانونی، موجب ورود زیان به شمار می‌رود، قاعده لاضرر، اقتضای وضع حکم و قانون و دفع ضرر بدین وسیله را دارد.

به تعبیر دیگر در مسئله سوادآموزی، مقتضای قاعده لاضرر، ضرورت مداخله قانونی حکومت به منظور ریشه‌کن نمودن بی‌سوادی به‌عنوان عامل اضرار است. از آن حیث که مبارزه با بی‌سوادی به‌عنوان یکی از

مفاسد اجتماعی، وظیفه حاکمیت است، حال با لحاظ توان قانونی حاکمیت نسبت به ورود به بحث سوادآموزی و به سبب در اختیار داشتن منابع مالی و نیروی اجرایی چنانچه در جهت ریشه کن نمودن بی سوادی اقدامی نکند، می توان او را مسئول ایراد ضرر به واسطه رواج بی سوادی و معضلات ناشی از آن دانست. علاوه بر آن با توجه به استنباط برخی فقها از جمله امام خمینی (ره) از قاعده مزبور مبنی بر آنکه لاضرر از جمله احکام حکومتی پیامبر (ص) است که در مقام حکمرانی، صادر فرموده اند (خمینی، ۱۴۱۰: ج ۱، ۵)، می توان به قاعده مزبور به عنوان یک ضابطه حاکمیتی در جهت حل مشکلات اجتماعی نگرست که در هر زمان و هر جامعه ای قابلیت اجرا دارد. آن گونه که در عصر حاضر نیز در راستای رفع معضل بی سوادی، می توان از قاعده مزبور به عنوان مستند ضرورت مداخله قانونی حاکمیت در امر سوادآموزی یاد نمود.

۱-۲-۳. قاعده تقدم مصالح عامه

تقدم مصالح عامه در مقام تعارض مصالح عمومی با مصالح شخصی، از باب تقدم اهم بر مهم، یکی از قواعد مهم در قانون جهان شمول اسلام است (خمینی، ۱۴۲۳: ۸۵؛ عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ج ۹، ۷۴). مدیریت جامعه اسلامی، نظر به لزوم هدف قرار دادن تکامل فردی و جمعی، لازم است سیاست های عمومی را به نحوی سامان بخشد که رشد فردی در ضمن تکامل اجتماعی، حاصل آید و روند تکاملی جامعه بر مبنای مصالح نوعی، امکان استیفای مصالح فردی را فراهم آورد (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ج ۹، ۷۴). حال، نظر به منافع حاصل از توسعه سواد نظیر هموار گردیدن مسیر توسعه در جامعه از طریق توسعه منابع انسانی (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۸)، فراهم آوردن موجبات گسترش سواد همچون قانون گذاری در امر سوادآموزی، هر چند در مواردی تحدید آزادی های فردی را به دنبال آورد، از باب تقدم غرض اهم بر مهم و اولویت مصالح عامه دارای توجیه است. علاوه بر آن مداخله قانونی حاکمیت در این امر نیز از یک سو مصداق، «استصلاح اهل ها» است و در راستای صلاح مردم و زندگی شایسته آنان است و از سوی دیگر مقدمه، «عمارة بلادها»

است و به واسطه آن آبادانی و توسعه کشور محقق می‌گردد؛ لذا مطابق قانون سلام از ضروریاتی است که حکومت اسلامی، موظف است بر آن اقدام نماید.^۱

۱-۲-۴. قاعده نفی سبیل

قاعده نفی سبیل از جمله قواعد کارآمد در عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌المللی جوامع اسلامی است. به موجب آیه شریفه: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (سوره نساء، آیه ۱۴۱)، خداوند متعال، حکمی را که منجر به سلطه و علو کفار بر مسلمین گردد، جعل نکرده است (بجنوردی، ۱۴۱۹: ج ۱، ۱۹۳). لذا بر مبنای قاعده نفی سبیل، آنچه موجب سلطه و نفوذ کفار بر مسلمین گردد، از منظر شرع، ممنوع است و فراتر از آن از باب مقدمه، حرام، مشمول حرمت نیز قرار می‌گیرد (مصطفوی، ۱۴۲۱: ۲۹۴؛ صافی گلپایگانی، بی تا: ۱۱۵). از سوی دیگر، چنانچه زمینه‌سازی برای سلطه کفار، حرام باشد، قطعاً مقابله با آن از وظایف مسلمانان است (خمینی، بی تا (ب): ج ۱، ۴۸۵؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ج ۱۵، ۱۰۱). به دیگر تعبیر، قاعده نفی سبیل دارای دو جنبه سلبی و ایجابی است؛ مطابق جنبه سلبی قاعده و مدلول مطابقی آن، هر نوع سلطه کفار بر مسلمین، نفی گردیده و از باب مقدمه حرام، حرام است. در مقابل جنبه ایجابی قاعده و مدلول التزامی آن بیانگر وظیفه مسلمین در قبال حفظ استقلال جامعه اسلامی و وجوب مبارزه آنان با موجبات سلطه کفار است (غنی‌زاده و طباطبایی، ۱۳۹۷).

در تطبیق مسئله بر این قاعده باید گفت یکی از مهم‌ترین عوامل عقب‌ماندگی جوامع، شیوع پدیده بی‌سوادی است، به نحوی که چنین جوامعی شانس کمتری برای رقابت با سایر جوامع داشته و این امر می‌تواند عاملی برای استعمار آنان از سوی جوامع پیشرفته به شمار رود (پاول، ۱۳۷۴: ۴۹). چنانچه در طول تاریخ نیز شاهد این مسئله هستیم که جهل و بی‌سوادی مردم، عامل استعمار بیگانگان و سلطه آنان بر جوامع گردیده است. لذا از منظر شرع، بی‌سوادی به‌عنوان مقدمه‌ای برای سلطه کفار بر جامعه مسلمین، امری حرام تلقی می‌گردد که مبارزه با آن بر تک‌تک مسلمین علی‌الخصوص بر حکومت اسلامی، واجب خواهد بود. آن‌گونه

^۱. امیر المومنین علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر، وظایف حکومت اسلامی را چنین بیان نموده‌اند: جُنُودَ خَرَجَاهَا وَ جِهَادَ عَدُوِّهَا وَ اسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ لذا مداخله در امر سوادآموزی از این حیث، وظیفه دولت به شمار می‌رود.

که امروزه نرخ باسوادی یکی از شاخص‌های مهم رتبه‌بندی کشورها در سطح جهانی نیز به شمار می‌رود، لذا ضرورت حراست از عزت و اعتلای جامعه اسلامی،^۱ ارتقای جایگاه کشور در سطح بین‌المللی به واسطه همگانی‌گردیدن سواد پایه را اقتضا می‌نماید.^۲ در نتیجه مداخله قانونی حکومت در امر سوادآموزی شهروندان به‌عنوان یکی از راهکارهای مهم مبارزه با بی‌سوادی، بر مبنای قاعده نفی سبیل، امری ضروری و واجب، تلقی می‌گردد.

۱-۱-۲-۵. قاعده وجوب حفظ نظام

نظام یک مجموعه منسجم و کلان است که خرده نظام‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را دربر می‌گیرد و حفظ هر یک از این خرده نظام‌ها در نهایت به حفظ نظام کل می‌انجامد و به واسطه حفظ آن، امور زندگی مردم، سامان می‌یابد (ملک افضلی اردکانی، ۱۳۸۹).

برخی از فقها، حفظ نظام را یکی از واجبات قطعی دانسته‌اند که ادله اربعه بر آن دلالت دارد (خمينی، بی تا (الف): ج ۲، ۶۱۹؛ منتظری، ۱۴۰۹: ج ۱، ۱۸۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۲: ۵۰۵). از آن حیث که جامعه نیازمند نظم است و اگر نظم از میان برداشته شود، جامعه از بین می‌رود؛ لذا حفظ نظام از واجبات عقلی و شرعی است (خمينی، ۱۳۸۹: ج ۱۱، ۴۹۴). حال، هرگاه حفظ نظام کلان، واجب باشد از باب وجوب مقدمه واجب، حفظ خرده نظام‌ها که مقدمه حفظ نظام کلان می‌باشند نیز عقلاً واجب است. به دیگر تعبیر، وجوب حفظ نظام بر وجوب حفظ خرده نظام‌ها نیز دلالت دارد، زیرا بدون آن‌ها نظام کل باقی نمی‌ماند. چنانچه فقها نیز بر این امر، تصریح نموده و مقدمات حفظ نظام را واجب شمرده‌اند (منتظری، ۱۴۰۹: ج ۱، ۵۴۸؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۲: ۵۰۵).

^۱ حراست از عزت و اقتدار جامعه اسلامی تا بدان جااست که رهبر معظم انقلاب آن را به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی در اقدامات و حرکات بعدی در گام دوم انقلاب مورد تأکید قرار داده‌اند (بیانیه گام دوم انقلاب).

^۲ مطابق داده‌های بانک جهانی در سال ۲۰۲۲، نرخ سواد بالای ۱۵ سال در کشور ایران، ۸۹ درصد می‌باشد این در حالی است که در سایر کشورهای منطقه چون امارات، نرخ سواد بالای ۱۵ سال ۹۸ درصد و در عمان ۹۷ درصد است (https://data.worldbank.org/indicator/SE.ADT.LITR.ZS?most_recent_year_desc=true)، حال با توجه به سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور مبنی بر تبدیل ایران به قدرت برتر منطقه، همچنین امضای سند آموزش برای همه، لازم است به نحو جدی‌تر و وقفه ناپذیرتر نسبت به بهبود وضعیت سواد در کشور تلاش گردد.

این در حالی است که بدون تردید سوادآموزی، مؤلفه‌ای تأثیرگذار بر خرده نظام‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. به‌عنوان نمونه تأثیر بی‌سوادی بر نظام اقتصادی تا بدان جاست که بی‌سوادی، عامل رشد فقر و بیکاری به‌عنوان دو شاخصه عقب‌ماندگی اقتصادی در جامعه تلقی گردیده و در مقابل، سوادآموزی، عاملی برای ریشه‌کنی فقر و ایجاد اشتغال و به تبع آن پیشرفت اقتصادی فرد و جامعه به‌شمار رفته است (صباغیان و اکبری، ۱۳۹۱: ۵۹؛ ساده میمندی و همکاران، ۱۳۹۸). از بعد اجتماعی، بی‌سوادی، عاملی مهم برای افزایش آسیب‌های اجتماعی است و در مقابل، آموزش با انتقال ارزش‌های اجتماعی، تأثیر بسزایی بر کاهش معضلات اجتماعی دارد (صباغیان و اکبری، ۱۳۹۱: ۵۶؛ حاتمی و همکاران، ۱۳۹۸). از منظر سیاسی، مأموریت مهم آموزش کمک به حفظ نظام سیاسی و تداوم حاکمیت است. آموزش، عاملی است برای ارتقای آگاهی سیاسی مردم در راستای حضور فعال در حیات اجتماعی (صباغیان و اکبری، ۱۳۹۱: ۵۳). درنهایت می‌توان مهم‌ترین نقش آموزش را در نظام فرهنگی جامعه مشاهده نمود. سوادآموزی، فرصتی است برای انتقال ارزش‌ها و فرهنگ جامعه و آموزش همگانی و واحد با ترویج عقاید و ارزش‌های مشترک، انسجام و همبستگی اجتماعی را در قالب نظم ملی ممکن ساخته و به توسعه اجتماعی انسانی کمک می‌نماید (عبداللهی، ۱۳۷۱). در مقابل، فقدان رویکرد جامع آموزشی، عدم تحقق سبک زندگی متناسب با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را به دنبال خواهد آورد (کرمی و عنایتی، ۱۴۰۱) علی‌الخصوص در عصر حاضر که رسانه‌های بیگانه درصدد القای فرهنگ و ارزش‌های مغایر با فرهنگ بومی و دینی و تغییر سبک زندگی افراد می‌باشند؛^۱ لذا ضرورت همبستگی و انسجام ملی، طرحی همگانی و یکپارچه برای سوادآموزی را اقتضا می‌نماید.

بنابراین نظر به تأثیر سوادآموزی بر خرده نظام‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و به تبع آن بر نظام کلان اجتماعی و نظر به وجوب حفظ نظام، تقنین و مداخله قانونی حکومت در این مسئله به‌عنوان راهکار مؤثر در توسعه سواد، نه تنها امری ضروری، بلکه از باب وجوب مقدمه واجب، واجب است. به دیگر تعبیر، یکی از ابزارهای تقویت نظام، توسعه سواد پایه در میان شهروندان است و در مقابل، شیوع بی‌سوادی،

^۱. تلاش در جهت القای فرهنگ بیگانه به واسطه تدوین سند ۲۰۳۰ نمونه‌ای از این اقدامات است که با درایت رهبر معظم انقلاب، ناکام ماند؛ چراکه مطابق فرمایش رهبری مد ظله العالی، سند آموزش کشور نباید بیرون از کشور نوشته شود.

عاملی برای تضعیف نظام، عقب‌ماندگی و وابستگی آن است؛ لذا نظر به مقدمه بودن تقنین در امر سوادآموزی برای حفظ نظام، اقدام بر آن بر حکومت لازم خواهد بود.

۲-۱. میزان مداخله مشروع

با توجه به آنچه ذکر گردید، به نظر، مداخله قانونی حاکمیت در امر سوادآموزی بزرگسالان، امری ضروری است؛ لذا لازم است در این بخش، میزان مداخله مشروع مورد بررسی واقع گردد. به نحو کلی، مداخله قانونی می‌تواند مبتنی بر رویکردهای تنبیهی یا تشویقی باشد. صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که راهکارهای تشویقی و ایجاد انگیزه برای جذب افراد بی‌سواد از لوازم شتاب‌بخشی به سوادآموزی است. اگرچه در کنار این امر باید از الزامات و محدودیت‌های بازدارنده برای اجبار سوادآموزی نیز استفاده گردد (برنامه ریشه‌کنی بی‌سوادی در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳). اما نکته‌ای که باید بدان توجه نمود این است که از سویی، نظر به اصل آزادی اراده و اصل عدم مداخله دولت در آزادی‌های فردی، در فرضی که بر مبنای ضرورت اجتماعی، مداخله در امر سوادآموزی مجاز گردد، اصل ضرورت، اکتفا بر مقدار ضرورت را اقتضا می‌کند (الضرورات تقدر بقدرها)؛ لذا مداخله‌ای که محظور کمتری را به دنبال دارد، رجحان خواهد داشت. به دیگر تعبیر، اتخاذ رویکردی که کمترین آمریت و مزاحمت را برای شخص در بر داشته باشد، اولویت می‌یابد.

در نتیجه نظر به آنکه اولاً تنبیه و مداخله کیفری اساساً در تضاد با کرامت ذاتی بشر است و تبعات بسیاری را برای فرد، اطرافیان و جامعه به همراه خواهد داشت، چنین رویکردی در فرضی، موضوعیت می‌یابد که تنها وسیله در راستای نیل به هدف منظور به شمار رود؛ ثانیاً سوادآموزی ذاتاً مقوله‌ای دستوری و قهری به شمار نمی‌رود، بلکه مقوله‌ای چندوجهی و نیازمند اقتناع و فرهنگ‌سازی است؛ لذا ضرورت دارد، فاصله بزرگسالان بی‌سواد با مراکز آموزشی از طریق فرهنگ‌سازی کاهش داده شود (The National Adult Literacy Agency, 2009). اساساً یکی از علل عدم انسداد مبادی بی‌سوادی در جامعه، منتقل نشدن نقش و تأثیر سواد در تعالی فرد، ارتقای فرهنگ عمومی و توسعه کشور به آگاهی عموم مردم و شکل نگرفتن گفتمان مناسب در این جهت دانسته شده است (برنامه ریشه‌کنی بی‌سوادی در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳)؛ ثالثاً مطابق تحقیقات صورت پذیرفته، بی‌انگیزگی بی‌سوادان برای سوادآموزی یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در مسیر

ریشه‌کن نمودن بی‌سوادی است (دفتر مطالعات اجتماعی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰)؛ لذا اتخاذ راهکارهای تشویقی می‌تواند عامل مهمی برای ایجاد انگیزه در سوادآموز باشد. در این بین با توجه به آنکه مشکلات اقتصادی یکی از عمده‌ترین و اصلی‌ترین عوامل عدم شرکت افراد در برنامه‌های سوادآموزی، تلقی گردیده است (برنامه ریشه‌کنی بی‌سوادی، ۱۳۹۳). لحاظ مشوق‌های مالی همچون یارانه سوادآموزی می‌تواند کمک شایانی به حل معضل بی‌سوادی جامعه نماید.

از سوی دیگر، در جایی که زیرساخت‌های لازم برای سوادآموزی فراهم شده باشد، الزام فرد به سوادآموزی نیز موجه است. در این حالت اگرچه اجبار در تضاد با حق آزادی فرد است، اما در مقام تراحم حق فرد و حق جامعه، حق جامعه مقدم خواهد گردید؛ لذا در فرض عدم تمکین فرد، حاکم از باب ولایتی که دارد (الحاکم ولی الممتنع) مجاز است فرد را مجازات نماید. به دیگر تعبیر، در این فرض، تحصیل یک میزان حداقلی از سواد در واقع تکلیفی است بر هر فرد و هر یک از شهروندان از این حیث در برابر جامعه مسئول بوده و موظفند برای بهبود شرایط آن تلاش نمایند. اما در فرض عدم حصول بستر و زمینه مناسب سوادآموزی، در بسیاری مواقع علی‌الخصوص با لحاظ مشغله کاری و مسئولیت‌های زندگی که بر عهده بزرگسالان است، الزام به سوادآموزی، تکلیفی مستلزم عسر و حرج و چه بسا مصداق تکلیف ما لایطاق خواهد بود که مطابق شرع مقدس اسلام، محکوم گردیده است. به‌عنوان مثال مطابق تحقیقات صورت پذیرفته، فقدان تجهیزات کمک‌آموزشی، نامناسب بودن مکان و فضای برگزاری کلاس‌ها، مسافت زیاد بین محل زندگی و مکان برگزاری کلاس‌ها، مشکلات مربوط به ایاب و ذهاب، از برخی علل عدم استقبال بی‌سوادان از برنامه سوادآموزی کشور دانسته شده است (حکیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴). حال با این شرایط و بدون فراهم آوردن زمینه سوادآموزی، تکلیف نمودن به آن فاقد وجه است.

در نتیجه تا زمانی که بستر مناسب برای سوادآموزی فراهم نیامده، لازم است برنامه سوادآموزی با رویکرد حمایتی و تشویقی دنبال گردد و در فرض حصول بستر مناسب در کنار این رویکرد، اتخاذ رویکرد تنبیهی نسبت به عدم تمکین بی‌سواد از برنامه سوادآموزی موجه خواهد بود، اما با این وجود نیز مطابق آنچه ذکر شد، اولویت با رویکرد تشویقی است و رویکرد تنبیهی جز در موارد اضطراری جایز نمی‌گردد.

۲. ارزیابی جواز مداخله قانونی بر مبنای اسناد بین‌المللی حقوق بشر

از بررسی اسناد بین‌المللی حقوق بشر آنچه در رابطه با جواز یا عدم جواز مداخله قانونی در امر سوادآموزی بزرگسالان برمی‌آید، به دست می‌آید را به نحو خلاصه می‌توان ذیل دو دسته آورد؛ مفاد موادی که مخالف با چنین مداخله‌ای است و در مقابل، مفاد موادی که می‌توان از آن جواز مداخله را برداشت نمود. در ذیل به هر یک از این موارد خواهیم پرداخت.

۲-۱. مواد مخالف با مداخله قانونی

عمده موارد مخالف با مداخله قانونی در امر سوادآموزی بزرگسالان را می‌توان مربوط به موادی دانست که صراحتاً از حق آزادی فرد سخن می‌گویند یا آنکه آموزش را به‌عنوان یکی از حقوق بشر نه تکلیف او به رسمیت می‌شناسند.

۲-۱-۱. مواد مبین حق آزادی

مداخله قانونی در امر سوادآموزی به‌عنوان مصداقی از الزام در بدو امر، در تضاد با حق آزادی فرد به نظر می‌رسد. حال آنکه در اسناد بین‌المللی، حق آزادی فردی به رسمیت شناخته شده است. ازجمله این مواد، ماده ۳ اعلامیه حقوق بشر است که برداشتن حق آزادی از سوی هر شخصی تأکید دارد. این در حالی است که آزادی عمل به‌عنوان مصداقی از آزادی مزبور در ماده اقتضای آن را دارد که فرد آزادانه و بدون تحمیل الزام قانونی، مجاز به سوادآموزی یا ترک آن باشد (Universal Declaration of Human Rights, 1948: Article 3). علاوه بر آن ماده ۱۲ این اعلامیه بر عدم جواز مداخله خودسرانه در زندگی خصوصی دیگران دلالت می‌نماید و سوادآموزی نیز جلوه‌ای از حقوق خصوصی فرد به شمار می‌رود که مداخله در آن جایز نیست (Universal Declaration of Human Rights, 1948: Article 12). در ماده ۱۹ اعلامیه مزبور به تصریح حق آزادی در کسب اطلاعات به رسمیت شناخته شده، حال آنکه الزام قانونی نسبت به سوادآموزی، تحمیل اطلاعات بر فرد به شمار می‌رود (Universal Declaration of Human Rights, 1948: Article 19). در ماده ۲۷ اعلامیه، بر حق شرکت آزادانه افراد در زندگی فرهنگی اجتماع و پیشرفت‌های علمی آن تأکید گردیده است. در حالی که الزام قانونی به سوادآموزی مخالف نص ماده مزبور

به شمار می‌رود (Universal Declaration of Human Rights, 1948: Article 27). علاوه بر اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق آزادی فردی در دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز به رسمیت شناخته شده است. به‌عنوان نمونه در ماده ۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اجبار شخص به انجام کار، ممنوع دانسته شده است (INTERNATIONAL COVENANT ON CIVIL AND POLITICAL RIGHTS, 1976: Article 8). در حالی که الزام به سوادآموزی، مصداقی از عمل اجباری است که در ماده مزبور بر ممنوعیت آن تصریح شده است.

۲-۱-۲. مواد مبین حق آموزش

در ارتباط با مداخله قانونی در امر سوادآموزی، ممکن است گفته شود که اساساً در تضاد با ماهیت حق آموزش به شمار می‌رود. از آن جهت که از سویی مطابق نص ماده ۲۶ اعلامیه حقوق بشر، آموزش، یکی از حقوق اساسی بشر به شمار می‌رود که تمامی آحاد بشر، حق تمتع و بهره‌مندی از آن را دارند (Universal Declaration of Human Rights, 1948: Article 26). از سوی دیگر، حق، امتیاز و نفعی است متعلق به ذی‌حق که مورد حمایت قانون بوده و از سویی به او توان تصرف در موضوع حق و ممانعت از تجاوز دیگران را می‌دهد (Bayar, 2023)، لذا به همان نحو که نمی‌توان کسی را به اجبار از حقی محروم نمود، نمی‌توان او را وادار به بهره‌مندی از آن کرد. اساساً حق آموزش در زمره نسل دوم حقوق بشر و به معنای حق مطالبه بهره‌مندی از آموزش، تفسیر گردیده است. به دیگر تعبیر، این حق، در زمره حقوق ایجابی است که اغلب مطالبات خاصی را در قبال جامعه ایجاد می‌نماید و دولت موظف است، شرایطی فراهم نماید که امکان تمتع از آن حاصل آید (Hohfeld, 1919: 57). لذا حق آموزش در واقع، امکان و امتیازی است که به واسطه آن شخص می‌تواند از آموزش و پرورش دلخواه بهره‌مند گردد و در قبال این حق، تکلیفی بر دوش دولت است به منظور فراهم آوردن زمینه برخورداری از این حق. در حالی که اجبار و الزام به سوادآموزی در تعارض با این امر است و در واقع تکلیفی را برای فرد در مقابل دولت تعریف می‌نماید. در نتیجه می‌توان گفت زمانی که فرد بالغ باشد و تمایلی به سوادآموزی نداشته باشد، وضع الزام قانونی نسبت به او در تضاد با ماهیت حق آموزش محسوب می‌گردد.

۲-۱-۳. ارزیابی مواد مخالف با مداخله قانونی

چنانچه ذکر گردید، مداخله قانونی در امر سوادآموزی ممکن است در تضاد با حق آزادی فرد و ماهیت حق آموزش، به نظر آید. این در حالی است که اولاً چنانچه اعمال حقوق و آزادی‌های فردی، مطلق باشد حقوق و آزادی‌های دیگران نقض خواهد گردید و این امر، مخالف با روح حاکم بر اسناد حقوق بشری و هدف آنان یعنی دفاع از حقوق بشر است. آن گونه که به تصریح ماده ۳۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز هیچ یک از مقررات اعلامیه نباید به گونه‌ای تفسیر شود که متضمن حقی برای فرد گردد که به موجب آن بتواند هر یک از حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه را از بین ببرد (Universal Declaration of Human Rights, 1948, Article 30); ثانیاً حقوق شهروندی عمدتاً دارای قیودی است که دخالت دولت در بهره‌مندی افراد از این حقوق را ممکن می‌سازد؛ چراکه اساساً سامان بخشیدن به امور جمعی و اداره جامعه نیازمند مداخله در حقوق شهروندی است (حسینی، ۱۴۰۳؛ مقدسی و همکاران، ۱۴۰۱)؛ ثالثاً مطابق نص اسناد بین‌المللی، حقوق و آزادی‌های فردی، تابع محدودیت‌هایی چون مصالح عمومی و نظم اجتماعی است (Universal Declaration of Human Rights, 1948, Article 29; The Johannesburg Principles on, 1996: Principle 13). آن گونه که در ارتباط با حق آزادی تحصیل اطلاعات نیز این محدودیت در اسناد بین‌المللی تصریح گردیده است (INTERNATIONAL COVENANT ON CIVIL AND POLITICAL RIGHTS, 1976: Article 19);

رابعاً به‌طور کلی، حق و تکلیف ملازم یکدیگر بوده و انجام تکالیف، لازمه تحقق حقوق است (Biasetti, 2014: 4; Mowbray, 2004: 225). آن گونه که در مقدمه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی فرهنگی به‌عنوان یکی از اسناد مهم حقوق بشر، بر مکلف بودن فرد نسبت به جامعه خویش تأکید گردیده است؛ خامساً بی‌سوادی نه تنها معضلی فردی بلکه معضلی اجتماعی به شمار می‌رود؛ لذا با لحاظ اثرات اجتماعی آن نمی‌توان سوادآموزی را صرفاً حق فردی به شمار آورد. به بیانی دیگر، برخی حقوق شهروندی، جنبه خصوصی داشته و عدم استیفای آن از سوی ذی‌حق، آسیبی به حقوق اجتماعی او یا دیگران وارد نمی‌آورد، اما در مقابل، برخی دیگر از حقوق شهروندی، جنبه عمومی دارد و عدم استیفای آن علاوه بر

منافع فرد، منافع جمعی و ملی را نیز تحت الشعاع قرار خواهد داد. سوادآموزی از نوع دوم حقوق شهروندی است؛ لذا به لحاظ آثار اجتماعی آن علاوه بر حق فردی باید به آن به عنوان یک تکلیفی اجتماعی نگریست. خامساً حق آموزش، مجرای تحقق سایر حقوق بشری به شمار می‌رود (Donnelly & Howard, 1988). لذا ماهیت حق آموزش و نقش کلیدی آن در زندگی بشر می‌تواند مؤیدی بر ضرورت نگاه تکلیف‌مدارانه نسبت به آن، به منظور تحقق بهتر سایر حقوق بشری است و چنین امری قطعاً همسو با اغراض اسناد حقوق بشری و مورد تأیید آنان است.

۲-۲. مواد موافق با مداخله قانونی

به نحو کلی، مواد مذکور در اسناد بین‌المللی حقوق بشر که می‌توان از آن جواز مداخله قانونی را برداشت نمود، ذیل دو دسته مواد منصوص بر جواز مداخله و مواد ظاهر بر جواز مداخله واقع می‌گردند.

۲-۲-۱. مواد منصوص بر جواز مداخله

در اسناد بین‌المللی حقوق بشر ممکن است با تکیه بر نص برخی از مواد بتوان جواز مداخله قانونی در امر سوادآموزی را برداشت نمود. از جمله این مواد، ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر است. در بند ۱ ماده مزبور چنین آمده: آموزش ابتدایی باید اجباری باشد (Universal Declaration of Human Rights, 1948: Article 26).

چنانچه ملاحظه می‌گردد، در بند مزبور بر اجباری بودن آموزش ابتدایی، تصریح گردیده است. حال ممکن است چنین به نظر آید که این امر بر تکلیفی بودن آموزش بی‌سوادان، فارغ از هر سن و سالی دلالت داشته و الزام سوادآموزی بزرگسالان در حد تعلیمات ابتدایی نیز از آن قابل برداشت است. از آن حیث که متبادر از مفاد ماده مزبور اهمیت آموزش ابتدایی است؛ لذا الزام به آن هر فرد بی‌سوادی را از هر سن و سالی در بر خواهد گرفت. اما باید توجه داشت که اولاً وضع الزام نسبت به آموزش بزرگسالان، مستلزم نگاه تکلیف‌مدارانه به آموزش است، در حالی که اعلامیه حقوق بشر در حمایت از حق بشر و بیانگر حقوق است نه تکالیف. کما آنکه فارغ از عنوان اعلامیه که بر حقوق بشر، تصریح نموده، مفاد اعلامیه از ۳۰ ماده تنها یک ماده یعنی ماده ۲۹ به بیان تکلیف پرداخته است (Universal Declaration of Human Rights, 1948).

29 Article (1948:); ثانیاً صدر ماده ۲۶ نیز حق آموزش را حق بهره‌مندی از آموزش تعبیر نموده (Universal Declaration of Human Rights, 1948: Article 26): لذا اجبار مزبور با روح ماده سازگار نیست؛ ثالثاً در رده‌بندی استاندارد بین‌المللی تحصیلات، مراد از آموزش ابتدایی،^۱ گام نخستین آموزش رسمی است که قبل از پیش‌دستانی واقع می‌گردد و به منظور ارائه مهارت‌های اساسی همچون خواندن، نوشتن و حساب کردن، طراحی گردیده است (<https://uis.unesco.org>).

لذا متعلق آموزش ابتدایی، کودک است و این اجبار در واقع، در حمایت از حق کودک در راستای بهره‌مندی بهتر کودکان از حق آموزش. از آن جهت که کودک، قادر به استیفای حق آموزش و تحصیل خود نیست و گاه تحت ولایت بزرگسالانی است که درک درستی از مصالح او ندارند؛ لذا چنین اجباری در حقیقت به منظور اطمینان از بهره‌مندی او از حق آموزش و در راستای تأمین منافع اوست. لذا ماده مذکور دلالتی بر جواز مداخله قانونی در امر سوادآموزی نخواهد داشت.

ماده دیگری که بر مبنای نص آن ممکن است جواز مداخله قانونی حاکمیت در امر سوادآموزی بزرگسالان و به تعبیر دیگر نگاه تکلیف‌مدارانه به آموزش بزرگسالان، استنباط گردد، ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. در بند «د» ماده مزبور چنین آمده: آموزش و پرورش پایه (اساسی) باید حتی‌الامکان برای کسانی که فاقد آموزش و پرورش ابتدایی بوده یا آن را تکمیل نکرده باشند تشویق و تشدید بشود (International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1966: Article 13). آنچه در ماده مذکور، جواز مداخله قانونی را توجیه می‌سازد، عبارت آموزش پایه که در این ماده بدان اشاره شده است. مراد از این نوع آموزش، آموزش بنیادین جایگزین آموزش ابتدایی از دست رفته است (<https://www.right-to-education.org/monitoring/content/glossary-fundamental-education>). به دیگر تعبیر، آموزش پایه برای افرادی طراحی گردیده که از آموزش ابتدایی بازمانده‌اند، خواه کودک باشند، خواه بزرگسال. لذا ماده مذکور صراحتاً بر لزوم تشویق و تشدید آموزش پایه دلالت دارد این

^۱. Elementary education.

در حالی است که مداخله قانونی با ابزارهای تشویقی یا تنبیهی، مصداقی از تشویق یا تشدید ضروری مذکور در این بند به شمار می‌رود.

۲-۲-۲. مواد ظاهر بر جواز مداخله

علاوه بر مواد منصوص در اسناد حقوق بشر بر پایه ظاهر برخی از مواد می‌توان جواز مداخله قانونی حاکمیت در امر سوادآموزی شهروندان را استنباط نمود. از جمله این مواد، ماده ۲۹ اعلامیه حقوق بشر است. در بند «ب» ماده زبور چنین آمده: هرکس در اجرای حقوق و در مقام برخورداری از آزادی‌های خویش تنها از محدودیت‌هایی پیروی می‌کند که منحصراً قانون به منظور تأمین شناسایی و حرمت به حقوق و آزادی‌های دیگران از جمله برای تحقق بخشیدن به مقتضیات عادلانه اخلاق و نظام اجتماعی و مصلحت عمومی در یک جامعه دموکرات وضع کرده باشد (Universal Declaration of Human Rights, 1948: Article 29). با این بیان که در ماده مزبور، مداخلات قانونی حاکمیت در حقوق و آزادی‌های فردی را که بر مبنای اموری چون تأمین مصالح عامه، حفظ نظام اجتماعی، مقتضیات صحیح اخلاقی صورت پذیرد به رسمیت شناخته شده است و همان‌طور که ملاحظه گردید، مداخله قانونی در امر سوادآموزی بزرگسالان و وضع الزام قانونی نسبت به آن امری است در راستای تأمین مصالح عامه و حفظ نظام اجتماعی کلان؛ لذا می‌توان آن را مشمول ماده ۲۹ اعلامیه جهانی بشر دانست.

ماده دیگر در این باب، ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. در این ماده چنین بیان گشته است: کشورهای طرف این میثاق معترفند که در تمتع از حقوقی که مطابق این میثاق در هر کشوری مقرر می‌شود آن کشور نمی‌تواند حقوق مزبور را تابع محدودیت‌هایی جز به موجب قانون بنماید و آن هم فقط تا حدودی که با ماهیت این حقوق سازگار بوده و منظور آن منحصراً توسعه رفاه عامه در یک جامعه دموکراتیک باشد (International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1966, Article 4).

مطابق ماده مزبور، مداخله قانونی در تحدید حقوق افراد در فرضی که با ماهیت حق در تضاد نباشد و در راستای توسعه رفاه عموم باشد، مجاز گردیده است. حال آنکه چنانچه ملاحظه گردید، مداخله قانونی در

حق سوادآموزی بزرگسالان از سویی تأمین منفعت عموم را به همراه خواهد داشت و از سوی دیگر، چنین مداخله‌ای ترویج و همگانی شدن آموزش را نه تنها نسبت به بزرگسالان بلکه نسبت به کودکان به همراه خواهد داشت. از آن جهت که بزرگسالان باسواد، حق آموزش کودک خویش را محترم شمرده و بر آموزش او اهتمام می‌ورزند (هلک، ۱۳۷۱: ۱۶۲). لذا نظر به آنکه مداخله قانونی در امر سوادآموزی بزرگسالان می‌تواند، محقق مقصود حق آموزش و همسو و مطابق با ماهیت آن به شمار می‌رود، بر مبنای مفاد ماده فوق می‌توان جواز آن را استنباط نمود.

ماده ۱۵ میثاق مزبور، مستندی دیگر بر این امر به شمار می‌رود. در این ماده این گونه آمده:

۱. کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را در امور ذیل به رسمیت می‌شناسند:

الف. شرکت در زندگی فرهنگی؛

ب. بهره‌مند شدن از پیشرفت‌های علمی و مجاری آن...؛

ج. بهره‌مند شدن از حمایت منافع معنوی و مادی ناشی از هرگونه اثر علمی، ادبی یا هنری که مصنف (مخترع) آن است.

۲. تدابیری که برای تأمین اعمال کامل این حق توسط کشورهای طرف این میثاق اتخاذ خواهد شد باید شامل تدابیر لازم برای تأمین حفظ و توسعه و ترویج علم و فرهنگ باشد (International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1966: Article 15).

چنانچه ملاحظه می‌گردد، تدابیر دولت به منظور توسعه و ترویج علم و فرهنگ، مطابق بند ۲ ماده مزبور به رسمیت شناخته شده است. حال آنکه مداخله قانونی در امر سوادآموزی نیز می‌تواند یکی از تدابیر در راستای توسعه علم و فرهنگ در جامعه به شمار رود؛ لذا بند مذکور را می‌توان مستندی بر جواز این مداخله محسوب نمود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر تحت عنوان «ارزیابی جواز مداخله قانونی در حق سوادآموزی بزرگسالان از منظر قانون اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر» با بررسی متون فقهی و اسناد بین‌المللی حقوق بشری به نتایج ذیل دست یافت:

۱. ضروری بودن بی‌سوادی در جامعه، امری غیرقابل‌انکار است و از سویی یکی از علل شیوع پدیده بی‌سوادی در جامعه، عدم قانون جامع در امر سوادآموزی است؛ لذا در موردی که خلأ قانونی، موجب ورود زیان به شمار می‌رود، قاعده لاضرر، اقتضای وضع قانون و مداخله قانونی در امر سوادآموزی را دارد.
۲. با توجه به منافع عام توسعه سواد اگرچه مداخله قانونی در امر سوادآموزی ممکن است در مواردی تحدید آزادی‌های فردی را به دنبال آورد، اما از باب تقدم غرض اهم بر مهم و اولویت مصالح عامه، چنین مداخله‌ای دارای توجیه است.
۳. از آنجا که شیوع بی‌سوادی در جامعه می‌تواند عاملی برای سلطه بیگانگان بر آن به شمار رود، بر مبنای قاعده نفی سبیل، مداخله قانونی در امر سوادآموزی بزرگسالان امری موجه محسوب می‌گردد.
۴. نظر به تأثیر سوادآموزی بر نظام کلان اجتماعی و نظر به وجوب حفظ نظام، مداخله قانونی حکومت در این مسئله به‌عنوان راهکار مؤثر در توسعه سواد، نه‌تنها امری ضروری، بلکه از باب وجوب مقدمه واجب، واجب است.
۵. بر مبنای قانون جهان‌شمول اسلام، در مداخله قانونی در امر سوادآموزی، اتخاذ رویکرد تشویقی دارای اولویت است.
۶. در فرض فراهم آمدن بستر مناسب برای سوادآموزی از سوی دولت اسلامی، اتخاذ رویکرد تنبیهی نیز در موارد ضروری و در قبال عدم تمکین از قوانین، مجاز محسوب می‌گردد.
۷. مداخله قانونی در امر سوادآموزی بزرگسالان بر مبنای نص ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ظاهر موادی چون ماده ۲۹ اعلامیه حقوق بشر، ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ماده ۱۵ میثاق مزبور موجه به شمار می‌رود.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹). **القواعد الفقهية**. قم: نشر الهادی.

برنامه ریشه کنی بی سوادی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳). ناشر: سازمان نهضت سوادآموزی.

پاول، مارک هنری (۱۳۷۴). **فقر، پیشرفت و توسعه**. ترجمه: مسعود محمدی، دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.

تبریزی، جواد بن علی (۱۴۱۶). **ارشاد الطالب الی التعلیق علی المکاسب**. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

حاتمی، صادق؛ ذوالفقاری، عطیه و منصورى اول، عطیه (۱۳۹۸). «نقش آموزش و پرورش در توسعه اجتماعی و فرهنگی».

پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، سال ۱، شماره ۱.

حسینی، لطیفه (۱۴۰۳). «حق بر پوشش اسلامی در پرتو ادبیات حق محوری حقوق بشر جهانی معاصر»، **فصلنامه پژوهش**

تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۱۱، شماره ۱.

حکیم زاده، رضوان؛ قربانی، حسین و ملکی، عباس (۱۳۹۴). «بررسی علل عدم استقبال بی سوادان از برنامه‌های سوادآموزی در

کشور: یک پژوهش ملی»، **نشریه مهندسی فرهنگی**، شماره ۸۴.

خمینی، سید روح الله (۱۳۸۹). **صحیفه امام**. تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره).

خمینی، سید روح الله (۱۴۱۰). **الرسائل**، چاپ اول، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

خمینی، سید روح الله (۱۴۲۳). **ولایت فقیه**. تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره).

خمینی، سید روح الله (بی تا الف)، **کتاب البیع**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

خمینی، سید روح الله (بی تا ب)، **تحریر الوسيلة**، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.

دفتر مطالعات اجتماعی مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۰). **بررسی وضعیت پوشش تحصیلی و ریشه کن کردن**

بی سوادی در کشور، کد موضوعی: ۲۱۰، شماره مسلسل: ۱۲۰۷۰.

رحمت‌اللهی، حسین و دانش نادری، زهرا (۱۳۹۳). «حق و آزادی آموزش و پرورش»، **دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر**

اسلامی، سال ۳، شماره ۷.

ساده میمندی، محمدرضا؛ حقیقی فرد، مریم و حسینچاری، مسعود (۱۳۹۸). «بررسی تأثیر سوادآموزی بر کاهش آسیب‌های

اجتماعی و توسعه اقتصادی»، **رهیافتی نو در مدیریت آموزشی**، سال ۱۱، شماره ۵.

سبزواری، سید عبد الاعلی (۱۴۱۳). **مذهب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام**، قم: مؤسسه المنار.

شهید ثانی، زین الدین (۱۴۰۹). **منية المرید**، چاپ اول، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.

- صافی گلپایگانی، لطف الله (بی تا). **التعزیر، احکامه و حدوده**، بی جا: بی نا.
- عاملی، سید جواد (۱۴۱۹). **مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عبداللهی، محمد (۱۳۷۲). «جایگاه و نقش آموزش و پرورش در فرایند توسعه ملی ایران»، **فصلنامه علوم اجتماعی**، دوره ۲، شماره ۳ و ۴.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴). **فقه سیاسی: قواعد فقه سیاسی**، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- غنی زاده، مهدیه؛ طباطبایی، سیده فاطمه (۱۳۹۷). «حکم تکلیفی تولید محصولات تراریخته از منظر فقه امامیه»، **مهندسی ژنتیک و ایمنی زیستی**، دوره ۷، شماره ۲.
- فیض کاشانی، محمد حسن (۱۴۰۶). **الوافی**، اصفهان: کتابخانه امام علی (ع).
- کرمی، سمانه و عنایتی، ترانه (۱۴۰۱). «ارائه مدل نقش آموزش و پرورش در توسعه پایدار با رویکرد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، **فصلنامه علمی آموزش محیط زیست و توسعه پایدار**، دوره ۱۰، شماره ۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). **الکافی**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶). **قواعد فقه**، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۲۱). **القواعد - مائة قاعدة فقهية**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مقدسی، محمد باقی؛ عامری، زهرا و خسروی، احمد (۱۴۰۱). «مبانی واکسیناسیون اجباری و ضمانت اجراهای آن در ایران و غرب (با تأکید بر کووید ۱۹)»، **فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب**، سال ۹، شماره ۱.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۲). **بحوث فقهیه هامة**، قم: انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
- ملک افضلی اردکانی، محسن (۱۳۸۹). «آثار قاعده حفظ نظام»، **حکومت اسلامی**، سال ۱۵، شماره ۴.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹). **دراسات فی ولاية الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة**، قم: نشر تفکر.
- نیاورانی، صابر (۱۳۸۹). «منزلت حق بر آموزش در نظام بین المللی حقوق بشر»، **تحقیقات حقوقی**، شماره ۵۲.
- هلک، ژاک (۱۳۷۱). **آموزش و پرورش: سرمایه گذاری برای آینده**، ترجمه: عبدالحسین نفیسی، انتشارات مدرسه. اعلامیه حقوق بشر اسلامی، ۱۹۹۰.
- بیانیه گام دوم انقلاب.
- سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵.

References

- Bayar, T. (2023). Human Rights and Privilege. S. Romaniuk, & P. Marton, The Palgrave Encyclopedia of Global Security Studies, PP. 735-741.
- Biasseti, P. (2014). Rights, Duties, and Moral Conflicts. Ethics & Politics, PP. 1042-1062.
- Donnelly, Jack & Howard, F, (1988). Assessing National Human Rights Performance: A Theoretical Framework, Human Rights Quarterly, PP. 214-219.
- Hohfeld, Wesley (1919). Fundamental Legal Conceptions as Applied in Judicial Reasoning, new Heaven, Yale University press.
- International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1966.
- INTERNATIONAL COVENANT ON CIVIL AND POLITICAL RIGHTS, 1976.
- Mowbray, A (2004). the Development of Positive Obligations under the European Convention on Human Rights by the European Court of Human Rights, Hart Publishing, Oxford and Portland Oregon.
- The Johannesburg Principles on National Security, Freedom of Expression and Access to Information, Freedom of Expression and Access to Information, U.N. Doc. E/CN.4/1996/39. (۱۹۹۶)
- Universal Declaration of Human Rights, 1948.
- World Literacy Foundation (2015). The Economic & Social Cost of Illiteracy A snapshot of illiteracy in a global context.
- https://data.worldbank.org/indicator/SE.ADT.LITR.ZS?most_recent_year_desc=true The National Adult Literacy Agency. (2009). Men and Literacy. Published by: The National Adult Literacy Agency, Dublin, Ireland: <https://www.nala.ie/wp-content/uploads/2019/08/Men-and-literacy-a-research-report-2009.pdf>
- <https://www.right-to-education.org/monitoring/content/glossary-fundamental-education>
- <https://uis.unesco.org/en/topic/literacy>
- <https://uis.unesco.org/sites/default/files/documents/international-standard-classification-of-education-isced-2011-en.pdf>
- In Persian
- The Holy Qur'an
- Cairo Declaration on Human Rights in Islam, 1990
- Bojnourdi, Sayyid Hassan (1419 AH) Al-Qawā'id al-Fiqhiyyah, Qom: Al-Hadi Publications.
- The Literacy Eradication Program in the Islamic Republic of Iran (2014) Publisher: Organization for Literacy Movement.
- The Second Step Statement of the Revolution.
- Paul, Mark Henry (1995) Poverty, Progress, and Development, translated by Masoud Mohammadi, Office for International Political Studies.
- Tabrizi, Jawad ibn Ali (1416 AH) Irshād al-Ṭālib ilā al-Ta'ālīq 'alā al-Makāsib, Qom: Esmaciliyan Institute

- Hatami, Sadegh; Zolfaghari, Atiyeh; Mansouri Aval, Atiyeh (2019) "The Role of Education in Social and Cultural Development," *Research and Studies in Islamic Sciences*, Vol. 1, No. 1, pp. 59–65.
- Hosseini, Latifeh (2024) "The Right to Islamic Dress in Light of Contemporary Human Rights Literature," *Comparative Research on Islamic and Western Law*, Vol. 11, No. 1, pp. 31–50.
- Hakimzadeh, Rezvan; Ghorbani, Hossein; Maleki, Abbas (2015) "Investigation of the Causes of Illiterates' Disinterest in Literacy Programs: A National Study," *Cultural Engineering Journal*, No. 84, pp. 64–83.
- Khomeini, Ruhollah (2010) *Sahifeh-ye Imam*, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Khomeini, Ruhollah (1410 AH) *Al-Rasā'il*, First Edition, Qom: Esmaciliyan Institute
- Khomeini, Ruhollah (n.d.) *b Tahrir al-Wasīlah*, Qom: Dar al-'Ilm Press
- Khomeini, Ruhollah (n.d.) *a Kitāb al-Bay'*, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works
- Khomeini, Ruhollah (2002) *Wilāyat al-Faqīh*, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Islamic Parliament Research Center (2011) *A Study on the Status of Educational Coverage and Literacy Eradication in the Country*, Subject Code: 210, Serial No: 12070.
- Rahmatollahi, Hossein; Danesh Naderi, Zahra (2014) "The Right and Freedom to Education," *Islamic Human Rights Studies Biannual*, Vol. 3, No. 7, pp. 53–70.
- Sadeh Maimandi, Mohammad Reza; Haghhighifard, Maryam; Hosainchari, Masoud (2019) "The Impact of Literacy on Reducing Social Harms and Economic Development," *New Approach in Educational Management*, Vol. 11, No. 5, pp. 320–340.
- Sabzevari, Sayyid Abdul-A'la (1413 AH) *Muhadhdhab al-Aḥkām fī Bayān al-Ḥalāl wa al-Ḥarām*, Qom: Al-Manar Institute
- National Population and Housing Census, 2016.
- Shahid Thani, Zayn al-Dīn (1409 AH) *Muniyyat al-Murīd*, First Edition, Qom: Maktabat al-I'lām al-Islāmī
- Safī Golpayegani, Lotfollah (n.d.) *Al-Ta'zīr, Aḥkāmuh wa Ḥudūduh*, n.p.: n.p.
- 'Āmili, Sayyid Jawad (1419 AH) *Miftāḥ al-Karāmah fī Sharḥ Qawā'id al-'Allāmah*, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom
- Abdollahi, Mohammad (1993) "The Status and Role of Education in the Process of Iran's National Development," *Social Sciences Quarterly*, Vol. 2, Nos. 3 & 4, pp. 57–74.
- Amid Zanjani, Abbasali (2005) *Political Jurisprudence: Principles of Political Fiqh*, Tehran: Amir Kabir Publications.
- Ghani Zadeh, Mahdieh; Tabatabaei, Seyyedeh Fatemeh (2018) "The Legal Ruling on the Production of Genetically Modified Products from the Perspective of Imamiyya Jurisprudence," *Genetic Engineering and Biosafety*, Vol. 7, No. 2, pp. 267–279.
- Fayz Kashani, Mohammad Hasan (1406 AH) *Al-Wāfi*, Isfahan: Imam Ali Library

- Karami, Samaneh; Enayati, Taraneh (2022) "A Model for the Role of Education in Sustainable Development Based on the Iranian-Islamic Progress Pattern," *Environmental Education and Sustainable Development Quarterly*, Vol. 10, No. 3, pp. 55–71.
- Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub (1407 AH) *Al-Kāfi*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah
- Mohaghegh Damad, Seyyed Mostafa (1406 AH) *Fiqh Principles*, Tehran: Center for the Publication of Islamic Sciences
- Mostafavi, Seyyed Mohammad Kazem (1421 AH) *Al-Qawā'id: One Hundred Legal Principles*, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom
- Maqdisi, Mohammad Bagher; Ameri, Zahra; Khosravi, Ahmad (2022) "The Foundations of Mandatory Vaccination and Its Sanctions in Iran and the West (with Emphasis on COVID-19)," *Comparative Research on Islamic and Western Law*, Vol. 9, No. 1, pp. 309–338.
- Makarem Shirazi, Nasser (1422 AH) *Buḥūth Fiqhiyyah Hammah*, Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib School Press
- Malek Afzali Ardekani, Mohsen (2010) "The Effects of the Principle of Preservation of Order," *Islamic Government*, Vol. 15, No. 4, pp. 110–146.
- Montazeri, Hossein Ali (1409 AH) *Dirasāt fi Wilāyat al-Faqīh wa Fiqh al-Dawlah al-Islāmiyyah*, Qom: Tafakkur Publications
- Nahj al-Balaghah
- Niavarani, Saber (2010) "The Status of the Right to Education in the International Human Rights System," *Legal Studies*, No. 52, pp. 176–201.
- Helk, Jacques (1992) *Education: Investment for the Future*, translated by Abdolhossein Nafisi, Madreseh Publications.